

نارسایی در تحمیل برجام چه شد که اینجوری شد

امیرفیض- حقوقدان

تحریر (حقیقت در کدام است مورخ ۲۰۱۶/۴/۱۰) ^۱ قراری داشت تحت عنوان <چه شد که اینجوری شد> یعنی جریان مذاکرات هسته ای چرا به برجامی ختم شد که طرف ایرانی با آنکه آنرا امضا و در مراجع قانونی کشور خود آنرا تصویب رسانده، درک درست و حساسی از آن ندارد و در عبارت ساده میتوان گفت که گیج است و از طرفی با اینکه همه دست اندرکاران و مسئولین جمهوری اسلامی غافل از تاثیرات و صدمات برجام بر ملت و کشور نیستند ولی معهذاً کسانی نه تنها توجهی به آن مفاسد و مشکلات برجام ندارند که آنرا یک موهبت تاریخی و یک پیروزی بی نظیر هم میدانند.

این تحریر میکوشد که علت این نارسایی کاملاً محسوس و غیرعادی را نمایان سازد.

مقصود از نارسایی چیست

غرض از نارسایی در برجام، رها شدن نیمه کاره موضوعات است بدین معنا، مطلبی که در برجام طرح شده بدون تعیین تکلیف روشن و قاطع نیمه کاره رها شده است و اگر اشاراتی هم بدان موضوع نیمه کاره حتماً لازم بوده در ردیف آرتیکل های بعدی و یا ضامم پیچ در پیچ و پیوست در پیوست به آن اشاره شده است.

استفاده از این روش در تنظیم قراردادها برای اغفال طرف قرارداد است؛ اجازه بفرمائید با مثالی مسئله روشن تر شود.

کسی که برای جستجو در یک امر تحقیقی به کتابخانه ای میرود خیلی راحت با استفاده از کلاسه بندی کتب و موضوعات، کتاب مورد نظر خود را پیدا و مسئله تحقیق را در آن مییابد. ولی اگر متصدی کتابخانه و یا شخص دیگری به دنبال اغفال محقق باشد و بخواهد کاری کند که محقق موفق نشود، کافی است که جای آن کتاب را از ردیف خود خارج و آنرا در قفسه دیگری قرار دهد محقق بیچاره هر قدر هم که جستجو کند کارش روبراه نمیشود و اگر خیلی جدی نسبت به تحقیق نباشد که کار را رها میکند و یا تحقیقی ناقص و قابل اعتراض ارائه خواهد داد.

تنظیم کنندگان برجام که آمریکاییها بوده اند، درست نقش همان متصدی کتابخانه را در تنظیم برجام بازی کرده اند یعنی ابهامات موضوعی برجام را بجای اینکه در همان جای بیان موضوع، مطرح کنند در جاهای دیگری که بندرت و بصورت اتفاقی ممکن است به آن برخورد شود آنهم وقتی اشکال اجرایی بوجود آمد

جاسازی کرده اند؛ آنهم بنحوی که فقط خودشان میتوانند نشانی آنرا بدهند تازه به نشانی هم که میروی به کوچه بن بست میرسی؛ درتطبيق مورد برجام برپایه بلاتکلیفی آمریکا مستقراست و در موارد عیده ای معلوم نشده که درمقابل انجام تکالیف برعهده ایران، آمریکا چه تکلیفی دارد؛ ازباب نمونه با گذشت محدودیت های ۸ و ۱۰ و ۲۵ ساله که حدود اقتدارآمریکائی هاهم در آن محدودیت ها نامشخص است معهذاً دربرجام نیامده که آمریکا بعد ازاتمام مدت محدودیت ها چه تکلیفی دارد وایران ناچارمیشود که باتفسیرآمریکا روبروشود؛ و دراین حالت است که تفسیرمورد درحق کشورآمریکا قرارمیگیرد (موارد عیده دلیل این موضوع است).

▲ **برجام بطورقطع یقین درموقع تنظیم وبتدریج با مشارکت طرف ایرانی تنظیم نشده و اساساً آنطور که آمریکائی ها ومسئولین ایرانی گفته اند برجام را آنها یعنی آمریکائی ها بتنهائی تنظیم کرده اند.** (علاو بر گفته های عراقچی، اظهارات آقای اوباما هم ناظربرتهیه وتنظیم برجام بوسیله آمریکائی هاست).

▲ **مشکل تنظیم قرارداد ها ازسوی یکطرف قرارداد، حتی درقراردادهای مدنی درحقوق خصوصی هم وجوددارد وهمواره قرارداد هائی که یکطرف معامله تنظیم میکند خالی ازخلل نیست به همین علت است که فرم قراردادها (شرائط قانونی) معمولاً دراطاق های بازرگانی ویا دفاتراسناد رسمی ودفاتروکلا وجود دارد که از آنها استفاده عمومی میشود که مشکلات قضائی کمتری بوجود خواهد آمد.**

▲ **سیره تنظیم قراردادهای بین دوکشوربه این طریق است که فصل به فصل وماده به ماده در جلسات مشترک کشورها مطرح وپس ازرفع ایرادات ومذاکرات بصورت متن مصوبه کمسیون مشترک، درمیآید وهیچگاه متن قرارداد بوسیله یک کشورتیه نمیشود و اساساً چنین عملی نقض حاکمیت کشوری که درتنظیم قرارداد دخالت نداشته شناخته میشود.** این نکته فراموش نشدنی است که مذاکرات همواره درجهت استفاده مطبوعات وعلاقمندان به موضوع برای اظهار نظرائنتشار مییابد نه اینکه آقای ظریف بگوید <برجام یک اقدام مشترک داوطلبانه است و تصویب مجلس هم لازم نیست>.

▲ **آقای عراقچی درمجلس اسلامی درتوضیح موافقت نامه ژنوبه آقای حمید رسائی گفته است: «ما موافقت نامه ژنو را نخوانده امضا کرده ایم».**

موافقت نامه ژنو تنها سه ونیم برگ است وطرف ایران نخوانده آنرا امضا کرده است؛ چطور ممکن است همان آقای طرف ایرانی که موافقت نامه ژنو را نخوانده امضا کرده است موافقت نامه برجام که ۱۵۰ صفحه تودرتو ودرهم ویرهم است خوانده باشد اساساً بخواند مگرقراردادبین کشورها آنهم درحجم ۱۵۰ برگ داستان است که خواندن آن کافی باشد؟

▲ **دقیقاً، برجام سند جدیدی نیست بلکه مکمل ومشروح موافقت نامه ژنو است واین بدان معناست، درحالی که موافقت نامه ژنو که اصل وزیربنای ساخت حقوقی برجام است ازطرف جمهوری**

اسلامی امضا شده است. خواندن و یا نخواندن برجام نمیتوانسته موثر در ایراد به ملاحظاتی باشد که در برجام ذکر شده است.

⚠️ فاصله زمانی بین انتشار برجام و موافقت با آن از سوی مجلس اسلامی و شورای نگهبان و اظهار مسرت و رضایت سید علی از متن برجام، آنقدر کوتاه بوده که میتوان به این فرض، فرصت قبول داد که الا برجام به ملاحظه (به معنای جامع آن) مجلس و سید علی هم نرسیده و نمیتوانسته دقیقاً مورد بحث و نقد و تعاطی افکار قرار گیرد. اظهارات نمایندگان مجلس اسلامی دایره این که ما از متن برجام خبر درستی نداریم موید مطلب است.

حاشیه = جهل به موضوع یعنی عدم آگاهی از مفاد برجام از سوی سید علی و یا مجلس رافع مسئولیت نمیشود. (پایان حاشیه)

خاصه که دولت جمهوری اسلامی و شورای نگهبان خواستار شدند که موضوع برجام دیگر دنبال نشود و مسئولین سعی داشتند که اصلاً برجام به مجلس هم نرود.

این محدودیت تا آنجا جدی بود که کمیسیون ویژه مجلس که اعلام کرده بود گزارش ۱۰۰۰ صفحه ای خود را در مورد برجام منتشر خواهد کرد از انتشار آن صرف نظر کرد و حتی روزنامه هانی که برخلاف دستور دولت موضوع برجام را به دید انتقادی مطرح کردند با آنکه از جراند طرفدار دولت هم بودند توقیف شدند مانند (فرهیختگان).

← این عقیده ابراز شدنی است که بر فرض آنکه هم فرصت کافی و هم علاقه وافیه به دقت در مراتب برجام از سوی مجلس و دولت و مسئولین و حتی روزنامه ها بوجود میآید کافی و ممکن نبود که بتوان به تمام ریزه کاری ها و سوء نیت های طرف برجام یعنی آمریکا که تهیه کننده برجام بوده و خودش مدعی حالت نفاق و دشمنی با ایران است و برعکس فائق آمد و این قاعده فقط متوجه ایران نیست و اگر برجام از سوی ایران بجای آمریکا تهیه میشد و ایران نگران موقعیت برجام در سالهای آتی و یا اجرایی آن بود تهیه کنندگان برجام میتوانستند همین نقش آمریکا را در تنظیم برجام عهده دار باشند و در جریان اجرا در دسر هائی برای آمریکا و بسود ایران فراهم کنند. فراموش نکنیم که هر طرفی که متن قراردادی را تهیه کند یک اشراف مفهومی و تفسیری بر آن قرارداد خواهد داشت.



← آمریکانیها در تنظیم برجام از حسن نیت!! و یا ضعف و یا وابستگی مسئولین مذاکره جمهوری اسلامی نهایت استفاده را کرده اند و آنطور که خودشان گفته اند ۸۰ تا ۹۰ متخصص در قسمتهای مختلف از مالی و اقتصادی و روانشناس و غیره در تنظیم برجام مشارکت داشته اند و از جانب ایران بغیر از آقایان عراقچی و ظریف و تخت روانچی و صالحی که مامور وزارت خارجه بوده اند برادر شیخ حسن (حسین فریدون) هم که معلوم نیست چه صیغه ای بود حضور داشته. این نشان میدهد که حضور در مذاکرات هسته ای بیشتر جنبه هم فال و هم تماشا برای جمهوری اسلامی داشته است؛ مقایسه کنید هیئت ایرانی را با هیئت آمریکائی دست اندر کار تنظیم برجام.

← همانطور که احمدی نژاد بهنگام حضور در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل ذوق زده و خیالاتی شد که هاله نور را دیده، عراقچی و سایر اعضای هیئت ایران در اجلاس ژنو در مقابل حضور وزرای خارجه آمریکا و اتحادیه اروپا و نمایندگان ۱+۵ و هیئت عظیم مشاورین آمریکائی ذوق زده شده و تحت الشعاع هیبت آن جلسه قرار گرفته و مقام و موقعیت خودشان را فراموش کرده اند (غرق شود قطره چو دریا بینند).

← عامل مهمی که در مذاکرات هسته ای و بالاخره تنظیم برجام بسیار موثر و قاطع بوده، قصد و نیت طرفین مذاکره بوده است.

قصد آمریکائیه در مذاکرات هسته ای سلطه بر ایران و استفاده از موقعیت روحانی و اصلاح طلبان برای برقراری رابطه سیاسی مورد خواست کشورشان آمریکا بوده است؛ در مقابل، خواست جمهوری اسلامی تامین رضایت آمریکا بهر طریق که باشد بوده است و در کلامی دیگر هدف اصلی جمهوری اسلامی و بیشتر سید علی تامین امنیت و بقای جمهوری اسلامی از طرف آمریکا بوده و مسائل دیگر از قبیل هسته ای و امثال آنها کاملاً تحت الشعاع تامین رضایت آمریکا قرار داشته است.

چنین خواست و هدفی که سرلوحه مذاکرات جمهوری اسلامی بوده، نیازی به صرف وقت در مراتب توافق ژنو و یا برجام نبوده و وقتی در عمان با مذاکرات محرمانه آمریکا و نمایندگان جمهوری اسلامی بخصوص شخص سید علی هدف جمهوری اسلامی در تامین امنیت نظام غاصب جمهوری اسلامی تامین شده است علی القاعده، در مذاکرات هسته ای که تماماً تشریفاتی و تحت الشعاع تامین هدف جمهوری است، نباید نمایندگان جمهوری اسلامی مته برخشخاس بگذارند. اینکه آقای عراقچی هم اظهار داشته که نخوانده توافقنامه ژنو را امضا کرده از نظر هدف سید علی که تامین امنیت جمهوری اسلامی و عبور از براندازی بوده لزومی نداشته که با دخالت و یا مخالفت با توافقنامه ژنو سبب متزلزل شدن توافق محرمانه عمان گردد. دیدید که سید علی هم عمل نخواندن توافق نامه ژنو را از طرف عراقچی تمجید و تجلیل کرد.

← به اعتبار شخص شیخ حسن، رئیس جمهور، جمهوری اسلامی (غاصب) که بنظر مک فارلن تافته جدا بافته است و آمریکا روی او حساب خاصی دارد که در مدت سی سال، نظیر او را نداشته، شیخ حسن عامل بسیار مستعد و انحصاری بوده که آمریکا به اعتبار و اعتماد او مطمئن بوده که بهر قسم منافعش اقتضا و برجام را تنظیم کند مورد موافقت و تائید هیئت ایرانی قرار خواهد گرفت و همینطور هم عمل شده است.

آمریکا در شاهراه این اطمینان از هر رابطه ای که ممکن بوده مسیر مزبور را از هر نوع آسیب احتمالی پاک کند بهره برداری کرده است.

شهادت بسیار مهم و تاریخی کری

آقای جان کری در این مورد اظهاراتی در رابطه با آقای صالحی رئیس انرژی اتمی ایران دارد که شهادتی است شنیدنی و مستند عرایض بالا خواهد بود.

وزیر امور خارجه آمریکا که در مرکز میراث نیروی دریایی درواشنگتن سخنرانی میکرد به نقش ویژه (۱) رئیس سازمان انرژی اتمی ایران در توافق هسته ای اشاره کرد و گفت امیدوارم با تمجید از صالحی وی رابه درد سر نیانداخته باشم (۲). کری با اشاره به نقش صالحی و مونیز گفت: «ما هنگامی که وارد بخش فنی مذاکره شدیم، ارنست مونیز را وارد مذاکره کردیم ثابت شد که وی یکی از بهترین گزینه هائی بود که انتخاب کردیم. وی کار فوق العاده ای انجام داد (۳) اما حقیقت این است که صالحی رئیس انرژی اتمی ایران در انستیتو فناوری ماساچوست تحصیل کرده بود. بنابراین، این استاد و شاگرد همیشه درس خوان انستیتو فناوری ماساچوست که البته به جانی نرسیدند (باخنده) در کناریکدیگر قرار گرفتند و بهم ملحق شدند (۴). من امید وارم با گفتن این مطلب صالحی رابه درد سر نیانداخته باشم. هیچکس این موضوع رادرایران گزارش نخواهد داد اما این واقعا یک جزء موثر توانائی ما برای حرکت به سمت جلو تبدیل شد (۵). بنابراین آقای ارنست من از شما تشکر میکنم».

(تاریخ انتشار دوشنبه چهارم ابان ۱۳۹۴)



تفسیر شهادت شاهد

شهادت شاهد (وزیر خارجه آمریکا) آنقدر روشن و صریح است که نیازی به تفسیر ندارد ولی نحوه و سیره تحریرات، تحمل غبن امساک از تفسیر را ندارد و لذا به تفسیر کوتاهی از آن میرود.

(۱)- نقش ویژه، در اظهارات شاهد، معنای جز تبانی و ایجاد استعداد بنفع آمریکا در مذاکرات هسته ای از جانب صالحی ندارد و اهمیت این نقش آنجا کاملا نمایان است که لااقل ۸۰ درصد برجام و مذاکرات هسته ای امر فنی بود که در نقش ویژه!! صالحی قرار داشته است.

(۲)- نگرانی شاهد از اینکه اظهاراتش در مورد آقای صالحی، صالحی رابه درد سر نیاندازد موید آن است که شاهد آگاه بوده است که تبانی با صالحی به ضرر منافع ایران و کاری خلاف است والا چرا باید نگران آینده صالحی باشد؟

(۳)- مقصود شاهد از «کار فوق العاده ای که ارنست مونیز انجام داد» همان تبانی با صالحی است که ارنست توانسته است کاملا صالحی را تحت تاثیر نظرات خودش قرار دهد. شاهد در قسمت دیگری از شهادتش (۴) از عبارت «آنها توانستند بهم ملحق شوند» استفاده کرده و با توضیح شاهد به اینکه

صالحی و ارنست مونیز همیشه شاگرد و استاد بوده اند میخواد گفته باشد که صالحی به روال شاگردی و استادی هرچه ارنست مونیز خواسته است صالحی هم امضاء کرده است یعنی صالحی ملحق به ارنست مونیز شده است نه اینکه مونیز ملحق به صالحی شده باشد.

در جامعه فرهنگی ایران نگاه استاد همواره از بالا بر شاگرد بوده است، نگاه استاد به دانشجو فارغ از رابطه معلم و شاگردی نگاه کاراندازی راهم دارد- این روابط و ضوابط سبب شده که دانشجو خلاقیت و عنصر پرسشگری خود را از دست بدهد و تنها به حفظ و بازتولید آنچه که استاد به او گفته بپردازد و چنین سیستمی سنت انتقاد را سست میسازد.

(دکترنادر پژوهشگردانشگاه تهران)

حافظ هم در رابطه با تاثیر کلام استاد چنین گفته است:

در پس آینه طوطی صفتم داشته اند آنچه استاد ازل گفت همان میگویم

(۵)- عبارت > اما این (این، اشاره به ملحق شدن صالحی و ارنست مونیز است) یک جزء موثر بود برای توانایی ما در حرکت به سمت جلو تبدیل شد < تانید نقش خانانه و بسیار موثر تبانی و ایجاد استعداد اطلاعاتی علیه ایران و بنفع آمریکا از طرف شاهد است که بمناسبت موقعیتی که داشته شهادتی موثر و قاطع و غیر قابل جرح است. شاهد، خدمت!! صالحی رابه پیشبرد هدف آمریکا در برجام یک جزء موثر دانسته این یعنی تنها خدمت صالحی نبوده خدمات دیگر نمایندگان جمهوری اسلامی هم بوده است.

توضیح = آقای ارنست مونیز وزیر انرژی آمریکا است شخصیت کوچکی نیست تا کاراندازی و اطاعت صالحی از او جای تردید داشته باشد.

تحریر حاضر احساس میکند که در مقابل این پرسش ممکن است قرار بگیرد که چرا آمریکاییها با این بی پروائی و حالت علنی در تحمیل برجام به ملت ایران عمل کردند؟